

## رسولان خدا

دوش داشتم ، گله با پروردگار  
گفتمش ای خالق کون و مکان  
از نسخ و از هدایات و کتاب  
آن که او پیغام تو آورده است  
بعد پیغمبر امامان شد پدید  
فرقه های مختلف برپا شدند  
جوی خون جاری بشد در هر زمان  
میکنند با نام تو قتل و قتال  
ذات یکتا شد مکدر زین مقال  
گفت ما پیدا نمودیم انسان  
عقل و دانش بر بشر انعام ما  
اختیار و عقل و دانش هر زمان  
هر کی اندیشید از بهر رفا  
چون ادیسن، روشن آرابی نمود  
زاخترع او به هر گوش و کنار  
هر که چون او در مسیر ارتقا  
از وفور نعمات در این جهان  
باشند این ها مرجع پیغام من  
عقل و دانش در رهء فن آوری  
هر که بیهوده نماید قیل و قال  
نفی دارد آن دگر، چون نیست چواو  
می زید دردوزخ اندیشه اش  
جهل و ظلمت کی بود منظور ما  
جنت و دوزخ همین دنیا بود  
گر به عرفان می رود نوری بود

از مهیب فتنه و از روزگار  
هم تویی اندر مکان و لا مکان  
آنچه بفرستی نبودی فتح باب  
خویش را زآند یگری بستوده است  
ضم پیغام، خواست خود کردند مزید  
در جدل باهم گه و بیگانه شدند  
این جدل را نیست پایان در جهان  
می برند از نام تو ملک و منال  
چون به او عرضه نمودم وضع حال  
عاقل و با دانش وهم مهربان  
هم کتاب و نسخه و پیغام ما  
بوده است معنی زیست این جهان  
او بود هم رهبر و هم رهنما  
ظلمت شب را به نور برق زدود  
می زیند در راحت هر قوم و تبار  
اختراع کردند از بهر رفا  
بیشه ها ساختند چون باغ جنان  
هم رسولانی خوشی از نام من  
است منظورم زخلق آدمی  
بر دمد اندیشهء جنگ و جدال  
می برد از شاعن انسان آبرو  
می زند او تیشه خود بر ریشه اش  
راحت و امن است در دستور ما  
راه نور و ظلمت هم پیدا بود  
ور به نقصان می رود ناری بود

آمد، بر خواب بری هم این ندا

عالمان باشند رسولان خدا